

ترجمه‌های دوران ساز^۱

کامران فانی

گاه برای بررسی یک ترجمه جدید لازم است به سابقه ترجمه‌های دیگر آن کتاب هم توجه کنند و در واقع در پرتو تاریخ گذشته به بررسی این کار جدید بپردازند. به‌ویژه که به نظر من این ترجمه جدید در واقع دوره تازه‌ای را در ترجمه عهد جدید آغاز می‌کند و به معنای گسترده‌تر، ما را برای آشنایی بیشتر و دقیق‌تر و صحیح‌تر با متن این کتاب آماده می‌کند. بنابر این مختصراً به گذشته ترجمه این کتاب اشاره می‌کنم.

اولین بار که برمی‌خوریم در جایی از ترجمه فارسی اناجیل صحبت شده، سخنی است که یوحنا زین‌دهان اسقف و متکلم برجسته مسیحی قسطنطنیه در قرن چهارم میلادی ذکر می‌کند و می‌گوید که کتاب مقدس به زبان فارسی، که احتمالاً مقصودش پهلوی بوده، ترجمه شده است، یعنی در زمان ساسانیان که البته چیزی از این ترجمه در دست نیست. او می‌گوید که این کتاب یا لاقلاً بخشی از آن به زبان فارسی درآمده است. بعد از آن، در اوایل اسلام، بخشهایی از کتاب مقدس به عربی ترجمه شد که ترجمه معروفش متعلق به سعدیا فیومی است. ولی به ترجمه فارسی چندان بر نمی‌خوریم تا می‌رسیم به قرن هفتم هجری. در این قرن است که در واقع به آغاز جدی ترجمه این کتاب به زبان فارسی برمی‌خوریم. در اینجا مقصودم فقط عهد جدید است و البته در کنار آن عهد قدیم هم ترجمه می‌شده است.

اولین ترجمه، ترجمه‌ای است که به نام *دیاتسرون* معروف است. *دیاتسرون* متنی بوده که در آن شخصی به نام تاتیانوس در قرن دوم میلادی اناجیل چهارگانه را به زبان سریانی خلاصه کرده است. این کتاب در قرن هفتم به فارسی ترجمه می‌شود که ما امروزه متن آن را در دست داریم و چاپ هم شده است. علت ترجمه *دیاتسرون* این بود که در دربار مغول آزادی مذهب زیاد شد و آشنایی با مذاهب مختلف بسیار رواج پیدا کرد و این که یکباره می‌بینید ترجمه اناجیل به خصوص مورد توجه قرار گرفت، به خاطر آن جو و فضا بود. به هر حال *دیاتسرون* ترجمه می‌شود و نسخه آن که در دست بود، حدود ۱۹۵۰ در رم چاپ شد. اخیراً هم انتشارات اساطیر این کتاب را زیر چاپ برده که همان طور که گفتم

۱. سخنرانی ایراد شده در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۸۷ در انجمن حکمت و فلسفه ایران در جلسه رونمایی عهد جدید.

قدیمی‌ترین ترجمه انجیل به زبان فارسی است. این ترجمه از زبان سریانی انجام شده، مترجم آن هم شخصی است به نام عزالدین محمدبن مظفر که ظاهراً هم مسیحی نستوری بوده است. به هر حال، این کتاب خوشبختانه به زودی در ایران چاپ خواهد شد.

بعد از این، باز هم یک دوره وقفه پیدا می‌شود تا می‌رسیم به قرن دهم و یازدهم هجری، یعنی شانزدهم و هفدهم میلادی، که باز هم یک دوره ترجمه عهد جدید و اناجیل آغاز می‌شود. در دربار اکبرشاه در هند دو ترجمه فارسی انجام شده است. در دربار شاه عباس سه ترجمه انجام شده است که برخی از نسخه‌های آنها در دست است. بعد از دوره شاه عباس ترجمه دیگری توسط خاتون‌آبادی انجام می‌شود که فکر می‌کنم متعلق به قرن دوازدهم و اوایل سلطنت شاه سلطان حسین است که چند سالی است چاپ شده است. در دوره نادرشاه برمی‌خوریم به عصری که باز هم ترجمه کتاب مقدس شروع می‌شود، چون هدف نادرشاه این بوده که در واقع مذاهب مختلف را به نحوی بشناساند و بعد از تجربه دوره صفویه، به نحوی تقریب بین مذاهب را انجام دهد.

بعد از آن دیگر هیچ ایرانی همت نمی‌کند و به جای آن در واقع میسیونرهای مذهبی، به خصوص پروتستان، به ترجمه فارسی کتاب مقدس همت می‌گمارند. اولین و مهم‌ترین شخص در این موقع کشیشی بوده به نام هنری مارتین که در ادبیات ما به اسم «پادری» معروف بوده است و کتاب مقدس را ترجمه می‌کند. او به ایران می‌آید و به کمک یکی دو ایرانی عهد جدید را ترجمه می‌کند و به هند می‌رود و در آنجا باز هم روی ترجمه‌اش کار می‌کند و متن کامل را چاپ می‌کند. بعد از او شخصی به نام ویلیام گنن عهد عتیق را ترجمه می‌کند و مجموعه کار این دو را شخصی به نام رابرت بروس گردآوری می‌کند. از رابرت بروس اصلاً اسمی در جایی نیامده. ولی همه ما باید مدیون او باشیم، چون متن نهایی ترجمه‌ای را که در واقع در صد سال اخیر همه ایرانیها با آن آشنا هستند، او تهیه می‌کند، همان ترجمه ۱۹۰۴ که انجمن بریتیش اند فارن بایبل سوسایتی (British and Society Foreign Bible) آن را چاپ می‌کند. این همان ترجمه‌ای است که با آن زبان خاص و لهجه‌دار، روی ادبیات فارسی تأثیر گذاشته است. در واقع برخورد ما با عهد جدید و عهد قدیم همیشه به نحو زیادی برخورد ادبی بوده است. به هر حال، این همان ترجمه‌ای است که امروزه هم با آن آشنا هستیم.

بعد، حدود سی سال پیش، انجمن کتاب مقدس دو ترجمه دیگر هم منتشر کرد که ترجمه‌های به زبان ساده و حتی ترجمه‌های تفسیری هستند و یکی همین *انجیل عیسی مسیح* است و یکی هم *مژده برای عصر جدید*. ترجمه‌های بسیار ساده و روان و مفهومی

هستند، اما به نظر من آن دقت لازم برای یک کتاب بسیار بسیار مهم را که باید بر سر هر واژه‌اش به دقت توجه شود ندارند. اما برای خواندن خیلی خوب و راحت هستند و در واقع هدف هم همین بوده است.

این در واقع سیر گذشته این کار است. حال که با ترجمه جدیدی مواجه هستیم که به همت یک ایرانی انجام شده است، متوجه می‌شویم که آقای پیروز سیار چه کار مهمی انجام داده‌اند که تقریباً بی‌نظیر است. حالا من علت‌هایش را می‌گویم. از مدتها پیش، شاید پیش از انقلاب، عده‌ای این خیال را داشتند که این ترجمه ۱۹۰۴ را ویرایش کنند. این ترجمه لحن خاصی دارد و خیلی مؤثر است، اما پُر از ابهامات است. جملات کم معنی و بی معنی زیاد دارد و اصطلاحات عجیب و غریبی دارد که نه فارسی هستند نه عربی و به هر حال این ترجمه به سادگی قابل فهم نیست. مگر این که کسی از لحن غریب و آرکائیک آن خوشش بیاید که حتماً هم می‌آید. نظر این بود که این ترجمه ویراستاری شود، لغت‌های جدید جانشین لغت‌های قدیم شود، با توجه به تحقیقاتی که به خصوص از قرن نوزدهم در مورد عهد جدید شده بود، و ترجمه جدیدی را بر مبنای ویرایش همان ترجمه قدیم چاپ کنند که این کار انجام نشد.

دومین مسئله این بود که این ترجمه روایت پروتستانی انجیل است. در واقع ما تا به حال هیچ نوع روایت کاتولیکی را که به هر حال گسترده‌ترین مذهب جهان مسیحیت است، نداشتیم. ترجمه کتاب‌های عقیدتی بدون نوعی پیشزمینه الهیاتی و کلامی اصلاً قابل قبول نیست. به هر حال هر کس با نگاهی ترجمه می‌کند. ترجمه‌ای را که ما در دست داشتیم، کلیسای انگلیکن انجام داده بود که البته به کاتولیکها خیلی نزدیک‌تر از پروتستانهای دیگر است. اما به هر حال آنها ترجمه کرده‌اند. بنابر این ترجمه‌ای که آقای سیار از این کتاب کردند، اولین روایت کاتولیکی ترجمه عهد جدید به فارسی است و از این حیث به نظر من خیلی مهم است. امروزه توجه به الهیات مسیحی در ایران خیلی زیاد شده است. ما قبلاً راجع به کلام و الهیات مسیحی تقریباً هیچ کتابی نداشتیم، اما امروزه دهها کتاب هست و مؤسساتی هست که کتاب‌های راجع به مسیحیت و الهیات و کلام مسیحی منتشر می‌کند. به هر حال، تقریباً به طور جدی تحقیق در مورد این کتاب در ایران آغاز شده و بیشتر تکیه این پژوهشها بر الهیات کاتولیکی بوده است.

بنابراین لازم بود که عهد جدید با دقت و صحت به فارسی جدید ترجمه شود. از این نظر است که من ترجمه آقای سیار را ترجمه دوران‌ساز می‌دانم و معتقدم که در واقع دوره تازه‌ای را برای پژوهشهای دینی و مسیحیت‌شناسی آغاز خواهد کرد. این کتاب اصولاً کتابی است برای تحقیق. من خیلی خلاصه به ساختار این کتاب اشاره می‌کنم، با تأکید بر

این که این کتاب در واقع می‌تواند ابزار اصلی تحقیق در مورد مسیحیت برای ما باشد. ایشان متن اصلی بسیار معتبری را انتخاب کرده‌اند که همان کتاب مقدس اورشلیم است و بخش عهد جدید آن را ترجمه کرده‌اند. نکته‌ای را هم قبلاً بگویم که آقای سیار پیش از این که این کار را بکنند، کار بسیار مهم دیگری را نیز انجام داده بودند. می‌دانیم که در مورد عهد عتیق بین پروتستانها و کاتولیکها اختلاف بوده و ترجمه‌ای که ما از عهد قدیم، یعنی تورات و بقیه آن، داشتیم، در واقع باز هم روایت پروتستانی بود. در روایت پروتستانی چندین کتاب، شاید بیش از هفت کتاب، حذف شده است، یعنی در ترجمه‌های استاندارد آن کتابها را نمی‌آورند. کتابهایی که کلاً به آنها «آپوکریف» می‌گویند. کلیسای کاتولیک بر عکس این کتابها را قبول دارد و آنها را «کتابهای قانونی ثانی» می‌داند، یعنی معتقد است که همان ارزش الهی و معنوی را دارند و تنها اندکی ارزش آنها پایین تر است. اما در کنار سایر کتابها همیشه آنها را هم می‌آورند. بر خلاف پروتستانها که این کتابهای عهد قدیم را اصولاً اگر هم چاپ می‌کنند، به صورت جداگانه است.

ایشان اولین کاری که کرد این بود که شروع به ترجمه بخشهایی از عهد قدیم کرد که به فارسی ترجمه نشده بود. بعضی از این کتابها از نظر تاریخ ایران نیز بسیار مهم است، مثل کتاب مکابیان که مربوط به دوره اشکانیان می‌شود یا کتاب استر که در واقع ایرانی است. کتاب بسیار مهم بن‌سیرا نیز جزء همین کتابها است. ایشان این کتاب را تحت عنوان **کتابهایی از عهد عتیق** چند سال پیش چاپ کردند که مورد توجه قرار گرفت. فکر می‌کنم چندین بار هم چاپ شد و نشان داد که در واقع این خلأ را هم باید پر کنیم، چرا که ما بعضی از فصول کتاب مقدس را تا چهار پنج سال پیش هنوز به فارسی نداشتیم. این هم کار مهم دیگری بود که ایشان با انتخاب متن کتاب مقدس اورشلیم کوشید این خلأ یا کمبود و نقصانی را که در مورد آشنایی با عهد قدیم داشتیم، جبران کند.

حال خیلی خلاصه از ساختار این کتاب برایتان می‌گویم. همه می‌دانیم که من از روز اول که ایشان ترجمه خود را شروع کرد، کاملاً در جریان کار آقای سیار بودم و پیگیری و کوشایی واقعاً بی‌نظیر ایشان را در کار می‌دیدم که با چه عشق و علاقه و در واقع اיתاری دست به این کار زده و کمتر مترجمی را دیده بودم که برای یک کتاب مفرد چنین برنامه‌ریزی بسیار منظم و جدی و دراز مدتی را داشته باشد و سرانجام هم کار را به اتمام برساند. کتابی که ایشان ترجمه کرده متن کامل عهد جدید است، معمولاً وقتی عهد جدید می‌گوییم، در ترجمه‌های قدیم مراد فقط اناجیل بود و مطلقاً بقیه عهد جدید نیامده بود. یعنی تا قبل از ترجمه جدیدی که اروپاییها انجام دادند، ما به هیچ وجه با بخش بسیار

مهمی از عهد جدید آشنایی نداشتیم. اهمیت این بخش از این حیث است که تمام کلام و الهیات مسیحی مبتنی بر آن است، نه بر چهار انجیل اول. گفتم که کتاب ایشان تحقیقی است. هر فصل از کتاب یا هر بخش آن مقدمه مفصلی دارد. در ابتدای کتاب یک مقدمه بسیار مفصل راجع به کل عهد جدید آمده که در آن بحث تاریخی و تا حدی هم بحث عقیدتی انجام شده است. بعد انجیلا شروع می‌شود. سه انجیل اول که به آنها انجیلهای «سینوپتیک» یا «نظیر» می‌گویند و عبارت از انجیلهای متی و مرقس و لوقا هستند، یک مقدمه مفصل دارند. انجیل چهارم هم که انجیل یوحنا است، باز یک مقدمه دارد. بعد می‌رسیم به قسمت دوم که کتاب اعمال رسولان است و از نظر تاریخی فوق‌العاده مهم است. این کتاب هم باز یک مقدمه دارد.

بعد می‌رسیم به مهم‌ترین بخش عهد جدید که عبارت از نامه‌ها یا رسالات پولس است. در واقع رسالات پولس اهمیت اصلی را در کلام مسیحی دارد و بدون توجه به این بخش، خصوصاً نامه‌های معروف به رومیان و کورنتیان، به نظر من اصلاً مسیحیت را دقیقاً آن گونه که هست نمی‌توانیم بشناسیم. مسیحیت صرفاً بر مبنای انجیلهای قابل شناخت نیست و بدون آن که کسی با نظرات پولس آشنا شود، کل مسیحیت را نشناخته است و صرفاً چیزی پیش خود تصور کرده است. به هر حال، نامه‌های پولس یک مقدمه حدوداً سی‌چهار صفحه‌ای دارد و این نشان می‌دهد که توجه اصلی متخصصین مسیحی کاتولیک در فرانسه معطوف به چه بوده است، هرچند که پروتستانها بیشتر به این نامه‌ها اعتقاد دارند. بعد از آن به نامه‌های دیگری می‌رسیم که با عنوان رسالات کاتولیک شناخته می‌شوند. بعد هم مکاشفه یوحنا است. در واقع خود این مقدمه‌ها یک دوره اطلاعات موجز اما بسیار مهم را در اختیار خواننده می‌گذارد.

بعد ترجمه ایشان شروع می‌شود. این ترجمه دو بخش باز هم مهم دارد. یک بخش ارجاعات کنار صفحات است. هر آیه‌ای که در انجیلهای یا بقیه عهد جدید آمده است، اگر نظیری در جای دیگری از کتاب مقدس داشته باشد، در کنار صفحه به آنها ارجاع داده شده است. بنابراین بیش از هزاران ارجاع در داخل این کتاب دیده می‌شود و برای کسی که بخواهد تحقیق کند، کار بسیار راحت شده و بعد از خواندن یک آیه، آیه‌های نظیر آن که به فهم آن آیه کمک می‌کنند مشخص شده‌اند. گفتم که تعداد این ارجاعات واقعاً بیش از چندین هزار است. بعد از آن، بخش بسیار مهم دیگر پانویسها هستند. می‌دانید که اصولاً کتابهایی مانند کتاب مقدس را بدون توضیحات نمی‌توان درک کرد. ممکن است از آن لذت ادبی ببرند یا کسانی که معتقد هستند از آن لذت روحانی ببرند، اما برای کسی که می‌خواهد به فهم کتاب مقدس و به خصوص عهد جدید برسد، بدون آشنایی با این پانویسها، به نظر من چیز زیادی دستگیرش نخواهد شد و این کتاب بیش

از دو سومش در واقع پانویس است. یعنی تقریباً برای هر آیه و اصطلاحات اصلی و فهم کلی آن و رابطه‌اش با آیه‌های دیگر، در پانویس توضیح داده شده که بسیار مفصل است. در واقع آقای خرمشاهی هم در ترجمه قرآن کمایش همین کار را کرده بودند، یعنی ایشان هم برای فهم مطالب قرآن در زیرنویسها توضیحاتی آورده بودند. در واقع شما برای فهم قرآن نباید به تفاسیر چند جلدی رجوع کنید و باید همان جا بتوانید برگردید و لااقل اطلاعات اولیه را در مورد معنی و مفهوم آیه پیدا کنید. این بخش از کتاب به نظر من به آقای سیار هم برای ترجمه متن بسیار کمک کرده است. چون در پانویسها راجع به هر واژه آن بسیار خوب بحث شده است.

بعد از مقدمه‌ها و بخشهایی که گفتم، به فهرستهای متعدد آخر کتاب می‌رسیم که آن هم برای کار تحقیقی بسیار مهم است. علاوه بر این که ایشان گاهشماری فلسطین در زمان حضرت عیسی را آورده‌اند، به دنبال آن فهرستی از واژه‌های کلیدی که در پانویسها توضیح داده شده‌اند و فهرست پنج‌زبان‌های از اعلام عهد جدید به فارسی و عربی و یونانی و انگلیسی و فرانسه را نیز تهیه کرده‌اند. این فهرست پنج‌زبان خیلی کمک می‌کند. خود مسئله ضبط اعلام مسئله مهمی است. اعلام کتاب مقدسی که ما تا حالا با آن آشنا بودیم، عجیب و غریب است. عربی کامل هم نیست و نوعی فارسی عربی شده است. از متن عربی هم استفاده کرده‌اند. البته لحن آن قشنگ است، اما هیچ دلیلی ندارد که اسامی یونانی را به صورت عربی تلفظ یا ضبط کنیم. ایشان در مورد ضبط اعلام دقت فوق‌العاده زیادی کرده‌اند. وقتی اسمی یونانی باشد دیگر دلیلی ندارد آن را با ضبط کمایش من در آوردی عربی که سابقاً در متون عربی و فارسی ما رایج بود بیاورند. در واقع بهتر است که دیگر به جای «قُرْت» لااقل همان «کُرْت» را بیاورند که البته آن هم فرانسه است، یا «غلاتیان» را «گالاتیان» بیاورند. به هر حال این فهرست در مورد ضبط اعلام به ما خیلی کمک خواهد کرد که بعد از این اگر ارجاعی به کتاب مقدس می‌دهیم، در واقع از همین ضبطها استفاده کنیم. البته ایشان بسیاری از ضبطهای جافتاده را به خصوص اگر نامی عبری یا آرامی بوده حفظ کرده‌اند. از این حیث به نظر من فهرست بسیار مناسبی است برای کسانی که دنبال ضبط اعلام هستند.

به هر حال، کار ایشان در آخرین مرحله به دست ناشری افتاده که یکی از کم‌نظیرترین ناشران ایران در دقت و صحت و باز هم همان عشق و علاقه به کار است. یعنی آقای همایی و نشر نی این کتاب را که بسیار کتاب مشکلی هم هست و البته کار حروفچینی آن را خود آقای سیار انجام داده است، با این نفاست و زیبایی و دقت و چشم‌نوازی توانسته چاپ کند و در واقع زحمات آقای سیار را در ویرتین بسیار زیبایی به نمایش گذاشته است.

از این نظر واقعاً باید از ناشر کتاب هم فوق‌العاده تشکر کرد که این کتاب را به زیباترین وجه به قول علما به حلیه طبع آراسته است.

برای این که سخنم را تمام کنم، یک نکته دیگر می‌گویم. گفتم که به نظر من اهمیت عهد جدید از نظر تحقیقی و علمی در درجه اول در نامه‌ها است، به خصوص دو نامه پولس که یکی نامه به رومیان و دیگری نامه به کُرتتیان است. پولس به یک معنی بنیان‌گذار مسیحیت است و همان طور که گفتم، بدون شناخت او ما مسیحیتی را که فعلاً وجود دارد اصلاً نمی‌شناسیم، چرا که تأثیر اساسی و اصلی را در جهان مسیحیت پولس گذاشته است. در این میان، به ویژه نامه به رومیان شاید مهم‌ترین بخش این کتاب باشد. می‌دانید که به یک معنی جدا شدن پروتستانها از کاتولیکها در واقع به خاطر همین نامه بود. و باز هم می‌دانید که یکی از مهم‌ترین کتابهای کلامی که در قرن بیستم نوشته شده، کتاب کارل بارت است که راجع به نامه به رومیان است، یعنی کل یک کتاب فقط راجع به این نامه است. و در کنار آن، همان طور که گفتم، نامه به کُرتتیان است.

این دو نامه از چه نظر مهم هستند؟ پولس در واقع یک انقلاب ایجاد کرد. بعد از صعود مسیح تکلیف روشن نبود که مسیح پیامبر است؟ دین جدید آورده است؟ همان اصلاحگر است؟ و اصلاً مخاطب او کیست؟ مخاطب او صرفاً یهودیان هستند یا دیگران هم هستند؟ در واقع پولس بود که این جهت را به مسیحیت داد، به خصوص در نامه به رومیان. پولس در زمان خود در واقع دو خطر را حس می‌کرد که یکی خطر ذهن یونانی بود و دیگری خطر ذهن یهودی. نامه به کُرتتیان در واقع خطر ذهن یونانی را نشان می‌دهد. در این نامه حکمت الهی را در مقابل حکمت انسانی قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که خطر این است که یونانیها به عقل خود بسیار مغرور شده‌اند و عقل الهی را فراموش کرده‌اند. پس موضوع آن حکمت و عقل است. نامه به رومیان در واقع به نحوی خطاب به یهودیان است که مغرور به شریعت و اجرای احکام شده‌اند. در واقع اجرای احکام را با ایمان اشتباه گرفته‌اند. در واقع همه حرف پولس همین است که شما با اجرای احکام و شریعت نجات پیدا نمی‌کنید.

در تمام این سخنان یک اصطلاح بسیار کلیدی وجود دارد که خیلی هم سخت است و آقای سیار آن را به «دادگری» ترجمه کرده‌اند و در متون قبلی به «عدل» ترجمه شده و لغت یونانی آن هم dikaiosune به معنی عدل است. به هر حال بر سر این واژه بسیار بحث شده که معنایش چه هست. اما اصلاً از عدل الهی صحبت می‌کند و از عدل انسانی که انسان باید عادل بشود. مسئله justification و توجیه آن که در واقع مهم‌ترین مفهوم در جهان پروتستان است، از همین جا می‌آید. وقتی این اصطلاح را ترجمه می‌کنیم، باید توضیح

دهیم که مقصود از آن چیست. چون پیوسته گفته می‌شود که خدا می‌خواهد انسان عادل بشود یا خدا عادل است یا خدا عدل‌گستر است و خدا باعث می‌شود که شما عادل بشوید. در مجموعه این عبارات اصل این است. فراموش نکنیم که این ترجمه در واقع بر اساس متن روایت کاتولیکی است. حتی مترجمان اصلی این کتاب در مقدمه خود گفته‌اند که لوتر در مورد نامه به رومیان اغراق کرده و این طور هم نیست که همه حرفهای مسیحیت یا عیسی را بتوانیم در این نامه پیدا کنیم. درست بر عکس تکیه‌ای که پروتستانها می‌کنند. به هر حال، برای این که بگوییم این ترجمه چرا جانشین ترجمه‌های قبلی می‌شود، یکی دو جمله از این ترجمه و ترجمه قدیمی را که همه ما با آن آشناییم و بسیار هم مدیون آن هستیم، می‌خوانم و سخنانم را خاتمه می‌دهم.

دو سه سطری از ترجمه قدیم رساله به رومیان، باب یازدهم را می‌خوانم: «پس چون لغزش ایشان دولت‌مندی جهان گردید و نقصان ایشان (یعنی یهودیان) دولت‌مندی امتهای، به چند مرتبه زیاده‌تری ایشان خواهد بود؟ اگر رد شدن ایشان مصالحت عالم باشد، باز یافتن ایشان چه خواهد شد؟ جز حیات از مردگان!» قبول کنید که معنی آن بسیار دیرپاب است و بر سر آن بسیار بحث کرده‌اند. حالا ترجمه آقای سیار را هم می‌خوانم تا ببینید: «اگر لغزش ایشان موجب غنای جهان گشت و نقصانشان سبب غنای مشرکان شد، تمامیت آنها چه خواهد کرد! چه اگر برکناری آنان بفرج جهان آشتی بود، پذیرش ایشان چه خواهد بود جز رستاخیز از میان مردگان؟» در کنار آن در زیرنویس توضیح تمام اصطلاحاتی که در اینجا آمده ذکر شده است. از جمله تمامیت، نقصان و برکناری. و در مورد کل جمله توضیحات مفصل داده شده است. مثلاً اصطلاح plérōma که در فلسفه آن را می‌شناسیم، در اینجا به «کمال» ترجمه شده است. نمونه دوم را هم می‌خوانم که از رساله اول به گرتیان، باب دوازدهم است. ترجمه قدیم: «می‌دانید هنگامی که امتهای می‌بودید، به سوی بت‌های کنک (در اینجا کلمه‌ای آمده که من مدت‌ها نمی‌توانستم آن را بخوانم، کاف و نون و کاف، من آن را «کنک» می‌خواندم و نمی‌دانستم بت‌های کنک چیست. بعد معلوم شد «گنگ» است) برده می‌شدید به طوری که شما را می‌بردند. پس شما را خیر می‌دهم که هر کس متکلم به روح خدا باشد، عیسی را آناتیمای نمی‌گوید.» باز هم اینجا خواننده نمی‌داند «آناتیمای» چیست و از جمله اول هم خیلی سخت سر در می‌آورد. ترجمه آقای سیار: «می‌دانید در آن زمان که مشرک بودید، بی‌اختیار به سوی بت‌های خاموش کشیده می‌شدید. از این روی، به شما اعلام می‌کنم که هر کس با روح خدا تکلم کند، نمی‌گوید نفرین بر عیسی.»